

# گزیده گزارشات کارزار حقوق بشر در ایران

از چهار نشست جانبی بیست و سومین اجلاس شورای حقوق بشر در ژنو

در نشست روز سه شنبه 5 ژوئن 2013 شورای حقوق بشر ملل متحد کشورهای مختلف جهان در قبال نقض آشکار حقوق بشر در ایران موضعگیری کرده و خواستار رعایت حقوق انسانی از سوی حاکمیت ایران شدند.

گروهی از شرکت کنندگان در شورای حقوق بشر ملل متحد در ژنو/عکس از صبری یوسفی

رویدادهای جانبی در انتهای هر نشست با پرسش و پاسخهای شرکت کنندگان همراه بود. این رویدادها همزمان به دو زبان انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه و به شکل زنده از شبکه تلویزیونی داخلی شورای حقوق بشر پخش شدند. چکیده ای از سخنرانیها و موضعگیری های انجام گرفته که برپایه گزارشات فرشید فاریابی و دیگر فعالان کارزار افشای نقض حقوق بشر در ایران که نخست در سایت کارزار و رادیو فردا انتشار یافتند، تنظیم شده است.

## موضع گیری کشور های مختلف جهان در برابر نقض حقوق بشر در ایران

در نشست روز سه شنبه ۵ ژوئن ۲۰۱۳ شورای حقوق بشر ملل متحد کشورهای مختلف جهان در قبال نقض آشکار حقوق بشر در ایران موضعگیری کرده و خواستار رعایت حقوق انسانی از سوی حاکمیت ایران شدند.

به گزارش کارزار افشای نقض حقوق بشر در ایران نماینده ی کشور اتریش در بخشی از سخنان خود با تمرکز بر انسداد اینترنت در ایران جنبه های مختلف این امر در نقض حقوق شهروندان را مورد اشاره قرار داد و از تلاش حکومت ایران در انسداد دسترسی آزاد و اسان شهروندان ایرانی به اینترنت شکایت کرد.

حسن نایب هاشم که در نشست شورای حقوق بشر شرکت کرد برخی از موضعگیری ها در قبال نقض حقوق بشر در ایران را برشمرد .

این کنشگر حقوق بشر گفت : « نماینده ی جمهوری چک با اشاره به

انتخابات ریاست جمهوری پیش روی در ایران خواستار برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه در ایران و ایجاد امکان برگزاری تجمعات و آزادی بیان در ارتباط با انتخابات شد».

نماینده ی کشور نروژ در دو موضوع گسترش اعدام ها و نیز انتخابات در ایران موضعگیری کرد و گفت : متأسفانه ما شاهد اعدام های گسترده در ایران هستیم. وی همچنین از ساختار انتخابات در ایران و نقش شورای نگهبان خطاب به شورای عمومی حقوق بشر شکایت کرد.

استرالیا محدودیت رسانه های مستقل و مطبوعات را در استانه ی انتخابات ریاست جمهوری مورد توجه قرار داد و خواستار باز تر شدن فضای رسانه ای در ایران شد.

نماینده ی بریتانیا با بیان موارد متعدد از نقض موافقت نامه های بین المللی از سوی رژیم حاکم بر ایران خواستار محترم شمرده شدن کنوانسیون ها، قراردادهای و توافق نامه های جهانی که متضمن حقوق بشر هستند در ایران شد.

همچنین کارزار نقض حقوق بشر و سازمان مردم نهاد سودویند در نشست های شورای حقوق بشر ملل متحد چند موضعگیری کرده و دیدگاه های خود را در قبال رویدادهای مرتبط منتشر کردند.

از جمله در رابطه با گزارش خانم پیلای کمیساریای عالی حقوق بشر در صحن شورای حقوق بشر موضع گیری کرد و نگرانی عمیق خود را از تلفات سنگین در سوریه اعلام کرد. در این موضعگیری از ارجاع پرونده ی جنایات جنگی سوریه به دادگاه کیفری بین المللی در لاهه استقبال شد.

موضعگیری کارزار افشای نقض حقوق بشر و سازمان سودویند که توسط شعله زمینی در صحن شورای حقوق بشر سازمان ملل و در حضور گزارشگران ویژه ی این سازمان در امور مختلف خوانده شد محور های مختلف دیگری از جمله وضعیت پناهیجویان ایرانی در کشور های مختلف جهان، غیر دموکراتیک بودن انتخابات پیش رو در ایران، درخواست توجه بیشتر به جنایات صورت گرفته در بازداشتگاه کهریزک و تاکید بر متوجه بودن اوضاع حاکم در ایران به رهبری بد علی خامنه ای را شامل بود.

**نقش دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر عنوان نخستین** رویداد جانبی برگزار شده در بیست و سومین شورای حقوق بشر بود که در روز چهارشنبه ۲۹ مه ۲۰۱۳ برابر با ۸ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد.

در این نشست سخنرانی ویدئویی شیرین عبادی خطاب به نشست برای حاضران پخش شد که تمرکز داشت بر اهمیت سلامت و استقلال دستگاه قضایی.

شیرین عبادی نبود استقلال در دستگاه قضایی را از مشخصات حکومت های غیر دموکراتیک عنوان کرد و گفت: «پیروزی اصلاحات منوط به اصلاح دستگاه قضایی است».

**نقی محمودی** وکیل دادگستری سخنران بعدی بود که با تمرکز بر دادگاه های آذربایجان شرقی نقض سیستماتیک در این دادگاه ها را مورد بررسی قرار داد.

این وکیل دادگستری و کارشناس ارشد حقوق جزایی گزارشی با جزئیات مختلف از اسامی مستندات مربوط به ناقضان حقوق زندانیان و شهروندان در دادگاه های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل ارائه کرد.

**هدایت الله متین دفتری** حقوق دان و بنیانگذار جبهه دموکراتیک ملی ایران سخنران بعدی این نشست بود که ساختار غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی را از آغاز مورد تاکید قرار داد و گفت: تنها نحوه ی رفتار قضات نیست که مشکل ساز است ساختار قوانین جمهوری اسلامی چنین امکانی دارد؛ این قوانین و ساختار از آغاز در تضاد با قوانینی بود که همه میراث مشروطه بودند.

وی موارد متعدد نقض حقوق بشر که در جریان دادگاه ایران تریبونال مورد توجه و بررسی قرار گرفت را برشمرد و به گستردگی بازداشت های خودسرانه، شکنجه، دادرسی های ناعادلانه، اعدام ها، احکام سنگین و زندان های طولانی، اعدام کودکان، تحویل ندادن اجساد قربانیان، جلوگیری از برگزاری مراسم برای قربانیان و... اشاره کرد.

هدایت متین دفتری در پایان خطاب به گزارشگران ویژه ی حقوق بشر سازمان ملل توجه جدی به نقض حقوق بشر در ایران را خواستار شد و تحریم های سیاسی مقامات دخیل در نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران مورد تاکید قرار داد.

سخنران پایانی نشست **مرسده محسنی** فعال حقوق بشر ساکن آلمان بود که موضوع " اعدام های فرا قانونی " را مورد توجه قرار داد. وی که خود از خانواده ی جانباختگان قتل عام های ۱۳۶۷ است گفت: این جنایت ها تنها دو روز پس از پیروزی انقلاب با اعدام سران رژیم پهلوی بدون محاکمه یا در محاکمه های چند دقیقه ای بدون وکیل آغاز شد.

وی در ادامه ی گزارش خود با برشمردن مواردی متعدد مستند از اعدام های غیر قانونی در کردستان به استمرار این جنایت ها در گنبد

پرداخت و گفت: " آقای خلخالی، در روزنامه ی صبح آزادگان ۲۸ / ۶ / ۱۳۶۳ گفت: من با قاطعیت در گنبد وارد شدم و یکی از کارهای برجسته و انقلابی ام در گنبد، ۹۴ نفر منجمله توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را بنده اعدام کردم. ۹۴ نفر را اعدام کردم نه یک نفر را." مرسته محسنی در بخش دیگری از سخنان خود به اعدام های دهه شصت پرداخت و گفت: "بر طبق آمار عفو بین الملل از روز سی و یک خرداد تا اواخر آذر شصت، حدود ۲۴۴۴ نفر در ایران اعدام شدند که این مطلقاً رقم واقعی نمی باشد".

### روایت های تصویری و مستند نیما سروستانی

در ادامه رویداد جانبی نخست شورای حقوق بشر ملل متحد با موضوع ایران بخش هایی از مستند تهیه شده توسط مستند ساز ایرانی ساکن سوئد نیما سروستانی در مورد اعدام های دهه ی ۶۰ در استان فارس ( شیراز) در سالن به نمایش در آمد.

از ویژگی این مستند گفتگو با پیرمرد گورکن گورستان و شهادت او در مورد اعدام ها و تعداد زیاد گورها و افزایش شدید دفن و کفن و گور هایی بود که اجازه ی درج نام بر آن نبود و تنها شماره هایی بود که بر مقوایی درج می شد. گورکن گورستان شهادت داد که اجساد همه بعد از غروب به گورستان انتقال داده و در طول شب دفن می شدند.

بخش دیگر این مستند به خاوران اختصاص دارد. گفتگو و همراهی یک مادر داغدار از مادران خاوران و بیان داستان گور های خاوران و چگونگی شناسایی گورها و شهادت در مورد برخی گور های دسته جمعی است. سرنوشت آیت الله منتظری به دلیل اعتراض به اعدام ها در بخش دیگری در مستند نیما سروستانی به تصویر در می آید.

رویداد جانبی دوم بیست و سومین شورای حقوق بشر ملل متحدروز پنج شنبه ۳۰ مه ۲۰۱۳ با موضوع «انتخابات آزاد و آزادی انتخابات در ایران» برگزار شد، که در آن دکترمهرداد درویش پور، دکترشهین نوائی و دکترکاظم کردوانی و حسن طالبی دیدگاه های خود را ارائه کردند.

در نشست جانبی روز دوم حضور نمایندگان نهاد های حقوق بشری و سازمان های مردم نهاد از کشور های خاورمیانه، آفریقا، اروپا و امریکا قابل توجه بود. پرسش ها و تبادل دیدگاه در مورد جنبش موکراسی خواهی، جنبش زنان و رویداد های انتخابات سال ۸۸ و نیز ساختار انتخابات در ایران نقش نهاد های ایرانی و غیر ایرانی حقوق بشری در ایجاد فضای باز در ایران از جمله پرسش های طرح شده از

سوی این نمایندگان در نشست این روز بود که سخنرانان پاسخ های خود را ارایه کردند.

موضوع گسترش اسلام سیاسی به عنوان عامل سرکوب جامعه مدنی در منطقه، ایران هراسی در کشور های عربی و شمال افریقا و رابطه و نگاه فعالان ایرانی به حقوق مردم کردستان از عمده پرسش های طرح شده از سوی این افراد بود که سخنرانان دیدگاه های خود را در پاسخ به آنها ارایه کردند.

دکتر **مهرداد درویش پور** استاد دانشگاه درسوئد در ابتدای سخنان خود گفت: «این که چرا جمهوری اسلامی حتی یکی از معماران اصلی این نظام و کاندیدای دولت کودتای انتخاباتی سال ۸۸ خود را نیز رد صلاحیت کرد، پرسش جدی است که با پرداخت به آن می توان عروج و تهاجم نوبنیاد گرایی اسلامی برای بسته تر کردن هر چه بیشتر نظام سیاسی و پیامدهای داخلی و جهانی آن را دریافت.»

عضو موسس جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران «تبعیض آمیز بودن موازین انتخابات در ایران»، «ضد دمکراتیک تر شدن موازین و شرایط انتخابات» و «بسته تر شدن نظام» جمهوری اسلامی را به عنوان سه محوره عمده مورد بررسی قرار داد.

درویش پور تاکید کرد: «انتخابات ریاست جمهوری در ایران بر پایه نوعی آپارتاید جنسیتی و دینی استوار است که تنها اقلیتی از شهروندان کشور در آن از حق انتخاب شدن برخوردارند.»

وی در ادامه افزود: «نگاه نظام به انتخابات، بیشتر به شکل نوعی از بیعت (اطهار وفاداری، همراهی و خودسپاری) است و پس از تجربه چند شکست در برابر اصلاح طلبان دینی، این بار درصدد برآمده است که نقش انتخابات را به فرایندی بازهم گزینشی تر و خودسپاری بیشتر به اراده رهبری تقلیل دهد.»

این جامعه شناس سیاسی گفت: «شرایط انتخابات پیش رو نشان از شدت یافتن نقض حقوق بشر و بسته تر شدن نظام دارد که ایران را در شرایط مخاطره آمیزتری قرار می دهد و خطر حمله نظامی به ایران را گسترش می دهد. تنها ایستادگی مردم ایران و فشار بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران می تواند اراده نوبنیادگرایان اسلامی را در نقض گسترده تر حقوق ایرانیان به عقب براند و شانس صلح، دمکراسی و امنیت را در ایران و منطقه گسترش دهد.»

دکتر **شهین نوائی**، استاد پیشین دانشگاه و کوشنده جنبش زنان سخنرانی خود را با عنوان «زندگی به معنای مبارزه» به زبان انگلیسی ارایه و آن را به زنان آفریقا و خاورمیانه تقدیم کرد.

وی افزود پس از سخنان روح اله خمینی در روز ۷ مارس ۱۹۷۹ در باره ی حجاب، اعتراض اقشار مختلف زنان جامعه ایران در شهر های مختلف را به همراه داشت و شش روز متوالی به طول انجامید و این حضور برای جهانیان نیز غیرمنتظره بود.

عضو موسس اتحاد ملی زنان افزود: «این تشکل تا چهار سال به تلاش های خود ادامه داد که دستاوردهای با ارزشی داشت. این روند متأسفانه پس از از خفقان ۱۹۸۱ امکان مبارزات علنی خود را از دست داد. در پی این سرکوب ها و محدودیت ها بسیاری مجبور به ترک کشور و مهاجرت شدند و آنها که در ایران باقی ماندن هزینه های سنگینی را متحمل شدند و تسلیم این محدودیت ها نشدند آنگونه که می بینید در تمام جنبش های اخیر، زنان پیشتاز بودند و نشان دادند که در هر شکل سازمان خود را بازیابی کرده اند.»

وی در پایان تصریح کرد که ما خود اشتباهات متعددی در این دوره داشته ایم از آن جمله: بی تجربگی در سازماندهی جنبش های اجتماعی، ناباوری ما به مکر اسلام سیاسی و نبود حمایت از سوی بخش های جنبش مترقی ایران. امیدوارم تبادل تجربیات ما در ایران با زنان مبارز خاورمیانه و شمال آفریقا این امکان را بوجود آورد تا آنها اشتباهات ما را تکرار نکنند. بر این باورم که این مبارزه ادامه دارد و ما پیروز خواهیم شد.

**دکتر کاظم کردوانی،** پژوهشگر و جامعه شناس ضمن بیان شمایی کلی از اهمیت انتخابات آزاد و بدون تبعیض، یکی از مسائل اصلی سازمان ملل را مبارزه با تبعیض دانست و با تمرکز بر دانشگاه، کانون نویسندگان و نشر در ایران که نمایندگان سه نهاد علم، فرهنگ و فکر هستند گفت: « این سه در ظاهر نقش بسیار کمرنگی در پروسه ی هر انتخاباتی دارند اما بدون شک در باطن و روند آزادی جامعه بسیار موثرند.»

کاظم کردوانی افزود: پس از جریان قتل های زنجیره ای کمیته ی به نام "کمیته ی دفاع از حقوق قربانیان قتل های زنجیره ای" تشکیل شد و این کمیته نام ۷۵ قربانی را با استنادات موجود به دست آورد. وی وضعیت فعلی فشار ها بر اعضا کانون نویسندگان را در حدی دانست که آنها حتی اجازه دیدار همدیگر را در یک کافه برای نوشیدن چایی و شیرینی هم ندارند.

این نویسنده در ادامه به حوزه نشر پرداخت و تاکید کرد فشار ممیزی، لطمات بسیاری به این بخش وارد کرده است. کاظم کردوانی در پایان با نمایش اسناد مختلف در رابطه با اعمال سانسور در حوزه کتاب تاکید کرد وزارت ارشاد با جمع آوری کتاب از فروشگاه ها و

نمایشگاه های کتاب، ممانعت از شرکت ناشرین برجسته اما مغضوب حاکمیت در نمایشگاه های کتاب، تخصیص ندادن کاغذ، محدود کردن جدی سندیکای ناشران، لغو مجوز فعالیت های ناشران و... نهاد فکر و حوزه ی نشر را با مشکل بزرگ مواجه کرده است.

سخنران آخر این روز **حسن طالبی** از اعضای پیشین دفتر تحکیم وحدت دانشجویی بود که در سخنان خود بر نقش جنبش دانشجویی در پیام رسانی به جامعه و طرح خواست های مردم و حساسیت حکومت نسبت به جنبش دانشجویی و فشار بیشتر بر ای کنترل و سرکوب آن تاکید کرد و گفت پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه و بازگشایی آن پس از یک دهه، دوباره دانشجویان به فعالیت می پردازند که در دوران خاتمی این فعالیت ها چشمگیر بود.

وی افزود دوم خرداد ۷۶ به نظر بسیاری شاید مهمترین رویدادی باشد که جنبش دانشجویی به راحتی توانست نقش خود را در آن و در برخورد به حاکمیت با هزینه بسیار کمی تحمیل کند. "وقایع کوی دانشگاههای ایران و مخصوصا دانشگاه تهران و تبریز در سال ۷۸ ؛ در واقع انتقامی بود که حکومت از دانشجویان گرفت" وی اضافه کرد "نحوه دستگیری دانشجویان پس از وقایع ۷۸ و ۸۱ ؛ آدم ربایی بود"

این فعال دانشجویی ضمن اشاره به مشاهدات و تجربیات خود اشاره کرد: سپاه و وزارت اطلاعات علاوه بر روش های علنی از روش های غیر علنی نیز برای سرکوب جنبش دانشجویی سود می جستند. سازماندهی نیروهای بسیجی و لباس شخصی ها که پیوسته به تجمعات دانشجویی حمله می کردند و حتی ضرب و شتم می کردند و درگیری ایجاد می کردند نمونه ای از آن بود. طالبی به نقش کمیته های انضباطی در دانشگاه و ستاره دار کردن فعالین دانشجویی برای حذف آنان از صحنه دانشگاه برای سرکوب جنبش دانشجویی و به سکوت واداشتن آنان پرداخت و اشاره کرد بسیاری از سرکوبگران جنبش دانشجویی ترفیع مقام گرفتند.

### **دیدار کوشندگان حقوق بشر ایران با گزارشگر ویژه اعدام سازمان ملل**

در جریان بیست و سومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو سوئیس، روز جمعه دهم خرداد ماه، گروهی از نمایندگان کارزار افشای نقض حقوق بشر و برخی از سخنرانان رویدادهای جانبی موفق به دیدار با گزارشگر ویژه «اعدامهای خودسرانه و فرا قانونی» که برای سازمان ملل کار می کند، شدند.

**کریستوف هینز**، گزارشگر ویژه «اعدام»، دیدگاه ها و گزارشهای گروهی

از کوشندگان حقوق بشر ایرانی شرکت‌کننده در نشست بیست و سوم حقوق بشر سازمان ملل را شنید و گزارش‌های آنها را دریافت کرد.

شعله زمینی، نماینده سازمان مردم نهاد سودویند (Südwind)، با تشکر از فرصت ایجاد شده، اعدام‌های پر شمار و جمعی در زندان مشهد را مورد تاکید قرار داد و نگرانی ایرانیان مدافع حقوق بشر از این موضوع را بیان کرد و خواستار پیگیری این موضوع از سوی «گزارشگر ویژه اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی» شد.

در این دیدار مهرداد درویش پور، نقی محمودی و مرصده محسنی هر یک دیدگاه‌های خود را با گزارشگر ویژه ی اعدام در میان نهادند. سومین رویداد جانبی این دوره از نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو بعد از ظهر جمعه دهم خرداد ماه ذیل سه موضوع عمده ی حق تحصیل، قتل‌های ناموسی و زنان زندانی در ایران برگزار شد.

سخنگوی کمپین حمایت از حق تحصیل شهروندان<sup>۱</sup> امیر معماریان، ایرانی، سیاست‌های جمهوری اسلامی در نحوه «محروم کردن شهروندان از حق تحصیل» و نیز «نهاد های موثر در آن» را بیان کرد. این فعال سابق دانشجویی، از جمله، انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ۱۳۵۹ را که به حذف و اخراج هزاران استاد و دانشجو منجر شد، آغازی بر این روند دانست.

امیر معماریان، با اشاره به سال‌های اخیر و دوره روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد گفت: پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و روی کار آمدن احمدی‌نژاد، سیاست‌های وزارت علوم و سازمان سنجش به شکل چشمگیری در راستای تصمیم‌های نهادهای امنیتی برون‌دانشگاهی، مانند وزارت اطلاعات و بخش‌هایی از قوه قضاییه، قرار گرفت.

سخنگوی کمپین حق تحصیل تاکید کرد: «اگر چه جمهوری اسلامی ایران همواره با انکار محرومیت از تحصیل شهروندان به دلایل مختلف مسئولیت اقدامات غیر قانونی و غیر انسانی خود را نمی‌پذیرد اما باید اقدامات موثر سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه انجام شود و حکومت ایران باید در مرحله اول کلیه احکام نا عادلانه محرومیت از تحصیل صادر شده را لغو کند، دانشجویان زندانی را آزاد و نسبت به تغییر قوانین تبعیض آمیز خودش اقدام کند».

«شکنجه و اعدام زنان زندانی در زندان‌های آذربایجان شرقی» گزارش و شهادت مستند شهناز غلامی، زندانی سابق در ایران بود که به رویداد جانبی شورای حقوق بشر سازمان ملل ارایه شد.

**شهناز غلامی** گزارش و مستندات خود را در مورد شکنجه و آزار زنان



زندانی - با تمرکز بر «کودکان» و «بزرگسالان» محکوم به اعدام در بند زنان زندان تبریز- ارائه کرد و نیز گزارشی هم از وضعیت این زندان داد. خانم غلامی گفت: «موارد اعدام که در این نوشتار می‌آید مربوط به سال‌های ۱۳۸۶ و ۸۷ است که من در آنجا به عنوان روزنامه‌نگار زندانی، شاهد آنها بودم.»

در بخش مربوط به «شکنجه و آزار زنان در زندان‌های آذربایجان شرقی» این شاهد عینی خطاب به حاضران تاکید کرد: «زنان جامعه ما چه در آذربایجان و چه در سایر مناطق ایران به مراتب بیش از مردان فعال در این عرصه هزینه می‌پردازند.»

در این گزارش شهناز غلامی شرحی از شکنجه‌هایی که خود تحمل کرده و یا شاهد آن بوده را نیز ارائه کرد. او گفت: «زندانیان سیاسی زن که مادر بوده و فرزند داشتند، اغلب فرزندان آنها تهدید به مرگ و ربوده شدن و یا شکنجه و آزار می‌شدند.»

□□

**ایران‌دخت انصاری** به موضوع قتل‌های ناموسی پرداخت و ضمن ارائه پیشینه‌ای از آن گفت: «جنایت قتل‌های ناموسی بیشتر در مورد زنان اعمال می‌شود و مردان خانواده یا خویشاوندان با ادعای بی‌آبرو یا حیثیت کردن خانواده و فامیل از سوی زن او را به قتل می‌رسانند.»

او با اشاره به دلایل گوناگون این قتل‌ها، مشکلات جدی در گردآوری مستندات در این رابطه را برشمرد و گفت: «تهیه آمار دقیق این جنایت‌ها در برخی کشورها امکان‌پذیر نیست. البته بر اساس آمار صندوق جمعیت سازمان ملل در جهان سالانه بیش از پنج هزار زن در قتل‌های ناموسی جان خود را از دست می‌دهند، که بیش از نیمی از این تعداد از جنایت‌ها در غرب و جنوب آسیا صورت می‌گیرد و آمار قابل توجهی مربوط به کشورهای اسلامی است.»

ایران‌دخت انصاری افزود: «تعداد قابل توجهی از قربانیان قتل‌های ناموسی دختران کم سن و سالی هستند که بر اساس کنوانسیون حقوق کودک که دولت ایران هم آن را امضا کرده در گروه کودکان قرار می‌گیرند و متأسفانه قربانیان زیادی از این جنایت‌ها به دلیل خودداری از قبول ازدواج‌های اجباری جان خود را از دست داده و □□ می‌دهند.»

به گزارش کارزار نقض حقوق بشر در ایران، بعد از ظهر دوشنبه سوم ژوئن ۲۰۱۳ چهارمین رویداد جانبی شورای حقوق بشر ملل متحد در ژنو با عنوان «نقض آزادی بیان در آستانه ی یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری» با شرکت ۵ سخنران و با اداره ی محمدجاوید گوانی نماینده

کارزار افشای نقض حقوق بشر در ایران برگزار شد.

رویداد جانبی مورد اشاره به دلیل حضور فرانک لارو (Frank La Rue) گزارشگر ویژه ی آزادی بیان و انتشار گزارش نقض آزادی بیان از سوی وی که موضعگیری رسمی سازمان سودویند (Südwind) و کارزار افشای نقض آزادی بیان در ایران را در پی داشت در این روز برگزار شد که مورد استقبال نمایندگان سازمان های مردم نهاد از سایر نقاط جهان قرار گرفت.

در این موضعگیری سرکوب و فشار وارد بر رسانه های گروهی در ایران، توقیف روزنامه ها، سانسور شدید در همه ی حوزه ها، بازداشت روزنامه نگاران، ارسال پارانزیت بر روی امواج ماهواره ای رسانه های جهانی، نقش آشکار صدا و سیما در سرکوب و شکنجه ی روزنامه نگاران و منتقدان رژیم و تهیه و پخش اعترافات اجباری تلویزیونی مورد تاکید قرار گرفت.

محمدجاوید گوانی در ابتدای رویداد ضمن خوش آمد گویی و معرفی سخنرانان اعلام کرد پخش زنده ی تلویزیونی این برنامه در بخش بررسی مشکلات مستند سازان به دلیل تاکید فیلم ساز و ناتمام بودن فیلم ها متوقف خواهد شد.

**محمود تجلی مهر** کارشناس ارشد مخابرات و زیرساخت های اینترنتی در مورد فعالیت های جمهوری اسلامی برای محدود سازی و کنترل دسترسی مردم ایران به اینترنت و جاسوسی در مورد شهروندان و نقش شرکت های بین المللی سازنده تجهیزات مخابراتی در فروش سیستم های پیچیده و انتقال دانش و فناوری های لازم به سازمان های امنیتی دیدگاه های خود را بیان کرد.

وی با اشاره به سیستم های مخابراتی موبایل گفت: «در عرصه تلفن های همراه افزون بر محدودیت های اعمال شده بر دسترسی شهروندان به اینترنت، جمهوری اسلامی با به کار گیری سرویس ردیابی تلفن (LBS) همراه تلاش برای ردیابی شهروندان، فعالان اجتماعی دارد که این تکنولوژی را به عنوان ابزار سرکوب به کار می برد اما همانگونه که می دانید این سرویس در کشورهای دیگر به عنوان یک سرویس خوب در خدمت شهروندان است و مشکلات بسیاری را در جهان مدن برطرف می کند».

محمود تجلی مهر در پایان خطاب به شورای حقوق بشر ملل متحد تاکید کرد: «تحریم تجهیزات سرکوب که نقشی در توسعه ی شبکه های مخابراتی ندارند و درگروه ابزارهای امنیتی هستند امری جدی است و نیاز به توجه جامعه جهانی دارد. کشورهای تولید کننده این تجهیزات

باید صدور آنها از سوی شرکت ها خود را مشروط کسب اجازه از دولت هایشان سازند».

**فرشید فاریابی** کارشناس ارتباطات و خبر رادیو تلویزیون سخنان بعدی بود که رادیو و تلویزیون در ایران را بزرگترین سازمان اقتصادی و رسانه ای در انحصار حاکمیت معرفی کرد و با بیان تجربیان مشخص خود، گفت: «این رسانه به شکل امنیتی اداره می شود و علاوه بر تبدیل شدن به دستگاه تبلیغات سیاسی به ابزار سرکوب، تغییر ماهیت داده است».

این دانش آموخته ی ارتباطات افزود: «صدها روزنامه نگار، فیلم ساز، نویسنده، پژوهشگر، مجری، کارگردان، تهیه کننده و ده ها عنوان شغلی دیگر در این سازمان تهدید و اخراج شده و می شوند اما باکمال تاسف به دلیل بدنامی "صدا و سیما" این قربانیان خاموش به ندرت مورد توجه نهاد های حقوق بشری قرار می گیرند».

کارشناس سابق صدا و سیما موضوع ارسال پارازیت بر امواج ماهواره ای را مورد توجه قرار داد و گفت: «پرسش اساسی در اینجا تکنولوژی های پیشرفته ای است که از سوی کشور های جهان در اختیار این دستگاه سرکوب و دشمن آزادی بیان قرار گرفته و می گیرد و به جرات می توان گفت که صدا و سیما بدون پشتیبانی فنی و تکنولوژیک جهان پیشرفته، امکان اجرایی کردن چنین سرکوب و اختناق گسترده ای را نداشت».

فرشید فاریابی در پایان با اشاره به تعداد قابل توجه روزنامه و نشریه توقیف شده، روزنامه نگاران زندانی و ترک وطن گفته، اعترافات اجباری، ارسال پارازیت و ... گزارشگر ویژه ی آزادی بیان سازمان ملل را خطاب قرار داد و گفت: «آیا وقت آن نرسیده که تحریم های طراحی شده علیه رژیم ایران هوشمندانه تر و با مطالعه تر صورت گیرد تا به جای زمین گیر کردن مردم آزادی خواه دستگاه های سرکوب رژیم از جمله رادیو و تلویزیون با کارنامه ی سیاه سرکوب و سانسور و اختناق هدف قرار گیرند؟!»

**محمد علی شیرزادی** مستند ساز و کارگردان در سخنان خود بخش هایی از چند مستند تولید شده و در دست تولید خود را به همراه پشت صحنه هایی از تلاش گروه فیلمسازش هنگام ضبط تصاویر پخش و توضیحاتی را در بین برنامه ارایه کرد که با استقبال شرکت کنندگان مواجه شد. وی در آغاز توجه حاضران را به فشار های موجود جلب کرد و گفت: «هم اکنون که ما در اینجا با هم گفتگو میکنیم در ایران ۲۵ مستند ساز تحت تعقیب و بازداشت قرار گرفته و با اتهامات سنگین از جمله

تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، کسب مال نامشروع و همکاری با شبکه های معاند روبه رو هستند».

وی به عنوان شاهد زنده ی مشکلات افزود: من خود دو بار بار داشت شدم که بار نخست برای ساخت مستند هنر زیر زمینی در ایران با درخواست اعدام مواجه و در دادگاه بدوی به ده سال محکوم شدم . اما این احکام نشان دهنده ی شدت برخورد در حوزه ی سینما و مستند سازی در ایران را نشان می دهد». این مستند ساز بار دوم در سال ۲۰۰۹ و جریان اعتراضات موسوم به جنبش سبز دستگیر و پس از بازجویی های بسیار و تحمل ۷ ماه سلول انفرادی با اتهام جاسوسی برای شبکه های معاند به سه سال حبس محکوم شد.

**زینب پیغمبرزاده** موضوع “اشکال گوناگون تبعیض تحصیلی و جنسیتی” را بررسی کرد و ضمن تشریح ساختار و چگونگی همکاری با کمپین حق تحصیل تاکید کرد: «پس از انقلاب اسلامی اعتقادات مذهبی، پوشش و برقراری رابطه با جنس مخالف نیز به فهرست اتهاماتی که می توانند مانع ادامه تحصیل افراد شوند اضافه شد و علاوه بر این دسترسی زنان ایرانی به تحصیل همواره به دلیل جنسیت شان به صورت سازمان یافته محدود شده است».

وی با تمرکز بر تبعیض جنسیتی و بررسی روند این نقض آشکار حقوق بشر گفت: «با افزایش نسبت دانشجویان دختر از سال ۱۳۷۷ به بعد، برخی مقامات وزارت علوم و سازمان سنجش بارها خواستار اجرای طرح سهمیه بندی جنسیتی شدند که بار دیگر در آخرین سال های دولت اصلاحات در سال ۱۳۸۲ توسط سازمان سنجش سهمیه بندی جنسیتی در رشته های پزشکی و برخی رشته های مهندسی، دوباره مطرح و در کنکور سال ۱۳۸۳ اعمال شد».

عضو کمپین حق تحصیل با اشاره به طرح سهمیه بندی در مجلس هفتم که از سوی نمایندگان مجلس دنبال شد و نیز محدود کردن پذیرش دختران دانشجو به شهر های نزدیک محل سکونت، افزود: «در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ زنان از تحصیل دولتی و رایگان در بسیاری از رشته های دانشگاهی در مقطع کارشناسی محروم شده اند».

زینب پیغمبرزاده با اشاره به محرومیت و تبعیض اعمال شده نسبت به زنان در حوزه ی بورس و ادامه ی تحصیل آنها در خارج از کشور گفت: «بعد از انقلاب ۵۷ دختران در زمینه دریافت بورس های تحصیلی دولتی برای تحصیل در خارج از کشور، با تبعیض روبرو بوده اند و تنها در صورت تاهل امکان بهره مندی از این تسهیلات را دارند و نیز به تازگی قانونی در مجلس در حال بررسی است که بر اساس آنان دختران مجرد برای دریافت گذرنامه نیازمند اجازه پدر خواهند بود. این

قانون می تواند ادامه تحصیل یا حتی شرکت در سمینارهای علمی در خارج از کشور را برای دختران دشوارتر سازد».

**حسن مکارمی : ساختار انتخابات در جمهوری اسلامی ناقض حقوق انسانی است**

دکتر حسن مکارمی استاد دانشگاه سوربن سخنرانی خود را با موضوع نگاه ساختاری به نقض حقوق بشر در روند انتخابات غیر دموکراتیک ایران به رویداد جانبی شورای حقوق بشر ارایه کرد.

وی با استناد به متن آخرین گزارش نقض حقوق بشر "شیرین عبادی" تاکید کرد: «انتخابات پیش روی همچون دیگر انتخابات پیشین مطابق قوانین بین المللی نیست که این امر ناشی از سه عامل اصلی "بنیانگذار جمهوری اسلامی"، "رهبر انقلاب اسلامی" و "شورای نگهبان" است».

این پژوهشگر علوم انسانی مواد ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ۲۵ میثاق بین المللی حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داد و افزود: این دو ماده به راحتی ما را به سمت و سوی پنج اصل اجرائی هر انتخابات می برد که نقض هر کدام سلامت انتخابات را زیر سوال خواهد برد، از جمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است.

حسن مکارمی با بررسی پیشینه ی رفتار های انتخاباتی از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران اشاره کرد و گفت: «در سال ۲۰۰۹ با قلب گسترده و همه جانبه در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری رهبر جمهوری اسلامی، در فردای انتخابات نتیجه را اعلام کرد و با این عمل خود، بر خلاف قانون اساسی، کارکرد شورای نگهبان را هم زیر پا گذاشت».

---

## دعوت به شرکت در آکسیون مشترک اعتراضی در مقابل مقر سازمان ملل متحد در ژنو - همگامی

در دفاع از حقوق کارگران، دفاع از حقوق بشر و تحریم انتخابات  
فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی ایران

روی سخن با آزادگانی است که حرمت انسانی را پاس می دارند و رژیم جمهوری اسلامی را در تمامیتش نمی خواهند!

روی سخن با افرادی است که از نابرابری های اجتماعی رنج می برند و در برابر آن ساکت نمی مانند!

روی سخن با تو دوست، زن و مردی است که حاکمیت سی و چهار ساله رژیم جمهوری اسلامی را توهینی به شخصیت هر آزاده ای می بیند ایرانیان و آزادگان جهان!

در پی بیش از سی و چهار سال تهدید، اخراج، دستگیری، شکنجه و عدم بهره مندی از حداقل حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کارگران و مزد و حقوق بگیران ایران، هم زمان با برگزاری انتخابات فرمایشی رژیم «مجمع متریقی دفاع از کارگران مغرب و خاورمیانه در فرانسه» از همهء مدافعین حقوق بشر و آزادی های مدنی دعوت می نماید تا در روز پنجشنبه سیزده ژوئن، همزمان با اجلاس سالیانه ی «سازمان جهانی کار»، در اعتراض به سرکوب دائمی کارگران و آزادیخواهان در سراسر ایران و همچنین اعتراض به حضور نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی، بجای نمایندگان واقعی کارگران ایران، به یک آکسیون اعتراضی در مقابل مقر «سازمان جهانی کار» در ژنو اقدام نمایند.

ما از همهء آزادیخواهان و مدافعین حقوق بشر دعوت می نمائیم تا با حمایت و مشارکت خود در این حرکت، به ایجاد یک کارزار بین المللی در دفاع مداوم از حقوق و مبارزات دموکراتیک مردم ایران و رد تمامیت رژیم جمهوری اسلامی یاری رسانیم.

در شرایطی که بحران اقتصادی بر اثر سیاست های رژیم و نیز دامنه دارتر شدن تحریم های بین المللی روز به روز شدید تر می شود و بخش گسترده ای از جامعه، به ویژه کارگران و مزدبگیران و افشار تهی دست در زیر خط فقر به سر می برند، ضروری است که ما در خارج کشور از این فرصت زمانی استفاده کنیم و از نیروهای فعال سیاسی و مجامع جهانی بخواهیم که در مبارزه با جمهوری اسلامی، به مثابه مانع اصلی بر سر راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در کنار مردم ما قرار گیرند و از اساسی ترین خواست شان مبنی بر سرنگونی رژیم اسلامی پشتیبانی کنند.

ما در نظر داریم که به همین مناسبت در روز ۱۳ ژوئن در مقابل مقر سازمان ملل (میدان ملل - ژنو) گردهم آئیم و این روز را به پاس پشتیبانی از حقوق کارگران و حقوق بشر و همچنین تحریم هر گونه انتخابات در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی ایران فریاد کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
داشتن تشکل های مستقل و آزاد حق طبیعی کارگران است

همگامی کانون ها و نهاد های ایرانی خارج از کشور در همبستگی و  
پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران (برلین) ؛ کانون پناهندگان  
سیاسی ایرانی (برلین) ؛ انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در  
ایران (پاریس) ؛ تلاش- کانون حمایت از مبارزات مردم ایران (کلن) ؛  
جمعیت کردهای مقیم فرانسه ؛ جمعی از فعالین سیاسی و حقوق بشر و  
سازمان پرایم (هلند) ؛ شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران (لندن) ؛  
شورای سوسیالیستهای مسلمان (هلند) ، شورای حمایت از مبارزات مردم  
ایران (اشتوتگارت) ؛ کانون همبستگی و دفاع از مبارزات مردم  
ایران (هانوفر) ؛ کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران (سویس) ؛ کمیته  
دفاع از مبارزات مردم ایران (بروکسل) ؛ کانون فرهنگی ایرانیان  
(هلند)

## شکاف در جبهه دولت ترکیه



گزارش از ترکیه

Nick Brauns

jungewelt

برگردان ناهید جعفرپور

...اینچنین جوانانی از لیبرال ها ، کمالیستها و چپ های رادیکال و  
همچنین جوانان از اوضاع ناراضی با هم متحد شده و این اعتراضات را  
سازماندهی نمودند.

دومین کشته در اعتراضات ترکیه. اختلاف بین جناح نخست وزیراردوغان  
و معاونش آرینس. اعتصاب در بخش عمومی

کشته شدن جوان ۲۲ ساله در اعتراضات اخیر ترکیه اوضاع این کشور  
را بحرانی تر نموده است. طبق گزارش رسانه های تصویری ترکیه

عبدالله کومرت در سه شنبه شب بهنگام درگیری میان تظاهرکنندگان و پلیس ترکیه در شهرستان هاتای از سوی فردی ناشناس با ضرب گلوله بقتل رسید. طبق گزارش خبرگزاری کرد "فیرات" عبدالله که از اعضای فعال جوانان حزب جمهوریخواه خلق کمالیست بود، در اثر اصابت نارنجک گازی پلیس به کله اش کشته شده است.

بعد از کشته شدن عبدالله بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم ترکیه در مرکز آنطاکیه به خیابان رفته و خواستار استعفای دولت ترکیه شدند. در تظاهرات روز یکشنبه آنکارا اولین تظاهرکننده از طریق حمله خودروهای افراد با لباس شخصی پلیس به جمعیت تظاهر کننده بقتل رسید. اتحادیه پزشکان ترکیه در روز سه شنبه صبح اعلام نمود که در این تظاهرات اخیر ترکیه تا کنون ۲۳۰۰ نفر زخمی شده اند که بسیاری از مجروحین در حالت وخیم قرار دارند.

در بخش بشیکتاش استانبول پلیس از گاز اشک آور برای مقابله با تظاهرکنندگان استفاده نموده و در آنکارا به مردم تیراندازی شده است. در آنتالیا شورای شهر که از اپوزیسیون است از اینکه ماشین های آبپاش پلیس را پر کند تمرد نموده است در حالیکه از استانبول گزارش آمده که سربازان ماسک های ضد گاز بین تظاهرکنندگان تقسیم نموده اند.

در روز سه شنبه گذشته بخش عمومی دولت اعتصابی دو روزه را بر علیه فاشیسم و برای یک ترکیه دمکراتیک آغاز نمود. رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه که روز دوشنبه در مراکش بسر می برد، اعلام نمود که پشت تظاهرات اخیر نه تنها " افراط گرایان" بلکه نیروهای خارجی نهفته اند. معاون او یعنی آرینس در روز سه شنبه در باره اعتراض به نابودی پارک های اصلی میدان تقسیم بعنوان اعتراضی " مشروع و وطن پرستانه" اشاره نمود اما در عین حال هشدار به وجود "گروه های غیر قانونی و حاشیه ای" داد.

عبدالله بزکورت سردبیر روزنامه " زمان امروز" می نویسد " دولت ترکیه مورد ضربه قرار گرفته است اما هنوز به پایان نیروی خود نرسیده است". وی اشاره به " بهار ترکیه" می نماید و می نویسد اینچنین جوانانی از لیبرال ها، کمالیستها و چپ های رادیکال و همچنین جوانان از اوضاع ناراضی با هم متحد شده و این اعتراضات را سازماندهی نمودند.

حزبی که دو سال پیش با ۵۰ درصد آراء مردم ترکیه انتخاب شد در هر



حال می داند که جمعیت مسلمان محافظه کار کشور پشت او قرار گرفته اند. در میان جبهه دولت شکاف به وجود آمده است. مراد یتکین روزنامه نگار معروف لیبرال در روزنامه حریت دیلی نیوز می نویسد "اردوغان چهره خود را بعنوان "قدرت مطلق" از دست داده است".

برنده درونی حزب در این شرایط کسی نیست جز عبدالله گل رئیس جمهور که بدستور وی در روز شنبه پلیس از میدان تقسیم بیرون کشیده شد. وی به هیئت وزارا تاکید نمود که "دمکراسی به رای دادن هر چهار سال یکبار خلاصه نمی شود".

جاه طلبی های اردوغان باعث اعتراضات افراد با نفوذ اسلامی و ناسیونالیست دولت از جمله جامعه فتح الله گولن شده است. هواداران و حامیان اردوغان در حزب و دولت و دستگاه قضائی و پلیس شدیداً بخش های لائیک و سکولار مخالف جامعه را تحت فشار قرار داده است. از یکسال و نیم پیش تا کنون در جبهه اسلامی سیاسی ترکیه مبارزه قدرتی در حال اجراست.

---

## بیانیهی سیاسی مصوب پنجمین گردهمایی سراسری

توضیح: در پنجمین گردهمایی سراسری جنبش خواهان دمکرات و لائیک ایران در تاریخ ۱۷ تا ۱۹ مه ۲۷ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ چهار سند به تصویب رسید که سه سند آن مربوط به مسائل سیاسی و چهارمین مربوط به ساختار است. آنچه در زیر می آید بیانیه سیاسی، طرح همگرایی جمهوری خواهان و منشور سیاسی مصوبه گردهمایی پنجم است. سند به روز شده ساختار تشکیلاتی مصوب گردهمایی نیز در سایت ندای آزادی منتشر شده است که علاقه مندان می توانند آنرا مطالعه کنند. این اسناد بنا به درخواست گردهمایی پنجم توسط هیئت رئیسه گردهمایی و شورای هماهنگی جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران به صورت نهایی ویرایش شده و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

**بیانیهی سیاسی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران**

**مصوب گردهم آیی پنجم**

## نه به جمهوری اسلامی! برای ایرانی آزاد و دموکراتیک!

### ۱- برای جهانی دیگر

امروزه، جهانی‌شدن به‌ویژه در حوزه اقتصادی تبدیل به واقعیتی انکارناپذیر شده است. جهانی شدن کنونی، اما، خصلتی ناعادلانه برای بشریت دارد زیرا که به رهبری قدرتهای بزرگ مالی و اقتصادی جهان در جهت اقتدار و منافع اقلیتی کوچک ادرصدی، بدون مشارکت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم ۹۹ درصدی مردم انجام می‌پذیرد. در تغییر چنین وضعیتی اما، جنبشهای اجتماعی برای جهانی شدنی دِگَر، هر چند هنوز ناتوان، ناهماهنگ و نامتشکل، در حال شکل‌گیری در گستره‌ی گیتی<sup>[۱]</sup> اند. این جنبشها برای تغییر مناسبات حاکم کنونی بر جهان و در جهت تغییر آنها، برای عدالت، برابری و بهزیستی مردمان جهان، برای مشارکت شهروندان جهان در تعیین سرنوشت خود بدون سلطه‌ی قدرتهای بزرگ مالی و دولتی و سرانجام برای پاسداری از محیط زیستی که در حال نابودی است تلاش و پیکار می‌کنند.

در دو سال گذشته، دو رویداد جنبشی بزرگ و متداوم جهان و جهانیان را تکان دادند. یکی، جنبشهای اعتراضی برآشفتهگان اروپا و آمریکا بر علیه نظم اقتصادی حاکم بر جهان غرب بود و دیگری، جنبشهای مردم در برخی کشورهای عربی بر ضد دیکتاتورهای دیرینه‌ی شان. در حالی که اولی، در برابر چالش‌های بزرگ و بغرنج، از پویایی و فرایندی عدالت جویانه برخوردار است، دومی، با رشد میلیتاریسم و اسلام‌گرایی سیاسی در منطقه در کنار رشد فرایندهای دموکراتیک، با موقعیتی مخاطره‌انگیز و متضاد روبرو است. امروزه سرنوشت مبارزه برای آزادی و دموکراسی در کشورهای عربی، به‌ویژه در تونس و مصر، با فرجام رویارویی و مبارزه نیروهای لائیک این کشورها با اسلام‌گرایی و دفاع بی‌وقفه آنها از آزادی، دموکراسی و جدایی دولت و دین و همچنین از برابر حقوقی به‌ویژه برابری زنان و مردان گره خورده است.

ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران همبستگی مبارزاتی خود را با جنبش برآشفتهگان گیتی علیه بی‌عدالتیها و برای جهانی دِگَر بر پایه برابری، عدالت، بهزیستی و حفظ محیط زیست اعلام می‌داریم.

ما همچنین همبستگی خود را با جنبش‌های عربی از جمله در مصر و تونس در راستای آزادی، دموکراسی و جدایی دولت و دین اعلام می‌داریم. چه آن جنبش‌هایی که چون در مصر و تونس بر دیکتاتورهای سابق خود چیره شدند ولی امروزه با خطر جدید استبداد دینی رو به رویند و چه آن‌ها که، چون در سوریه، در راه مبارزه با استبداد حاکم در برابر چالش‌هایی سخت، هم داخلی و هم خارجی، قرار دارند. ما بر این باوریم که مبارزه‌ی نیروهای لائیک یا سکولار برای جدایی دولت و دین و دموکراسی در کشورهای عربی، به‌ویژه امروز در مصر و تونس، برای جلوگیری از بازتولید استبداد به صورتی دیگر و این‌بار دینی-اسلامی، از اهمیتی به سزا و تعیین کننده هم برای آنان و هم برای جهانیان برخوردار است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران توجه مردم آزادیخواه عرب را به تجربیات انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران و فرجام اسف بار آن جلب کرده و بر این باور است که بدون تغییرات ساختاری، اجرای حقوق بشر به‌ویژه برابری حقوقی زنان و مردان و جدایی دولت و دین و ایستادگی در برابر تلاش اسلام گرایان برای گسترش نفوذ دین در دستگاه دولتی، قضایی و قانون گذاری، فرایند دموکراتیک می‌تواند عقیم مانده و به شکست انجامد.

ما بر این باوریم که مبارزات آزادیخواهانه مردم سوریه برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری بشار اسد باید به دست خود آنان و بدون دخالت و نفوذ قدرت‌های خارجی به سرانجام رسند.

ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، در عین حال، سیاست‌های مداخله‌جویانه، سرکوب‌گرانه و تروریستی جمهوری اسلامی ایران در حمایت نظامی و سیاسی... از رژیم سوریه و از دیگر گروه‌ها و سازمان‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه از جمله در جنوب لبنان و فلسطین را به شدت محکوم می‌کنیم.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران درود و شادمانی خود را نسبت به پیروزی مردم فلسطین در سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ که بنا بر آن فلسطین به عنوان دولت ناظر غیر عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته شد، ابراز می‌دارد. از این رویداد تاریخی باید به منزله ثبت گواهی تولدی نوین برای فلسطین در راه به رسمیت شناخته شدن کامل دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل یاد کرد. ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همواره از مبارزات مردم فلسطین و همچنین از مبارزات اپوزیسیون مترقی و مردم صلح‌طلب اسرائیل در جهت برقراری صلح پایدار در منطقه بر پایه همزیستی دو

دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی و حل مسالمت‌آمیز، عادلانه و دموکراتیک اختلافات میان آنها، جانبداری کرده و می‌کنیم.

## ۲- برای اعتلای جنبش‌های اجتماعی در ایران

امروزه، با گذشت بیش از سه سال از جنبش اعتراضی عمومی خرداد ۸۸، مبارزات سیاسی، اجتماعی و مدنی در ایران در مجموع فروکش کرده‌اند. با این حال اما شاهد مقاومت‌ها و مبارزاتی هم از سوی کارگران برای دفاع از حقوق خود در برابر بیکاری، اخراج و عدم پرداخت حقوق‌ها و هم از سوی کنشگران جامعه‌ی مدنی در دفاع از حقوق بشر و آزادی‌ها در ایران با به خطر انداختن جان خود در این راه می‌باشیم.

ریشه‌های این رکود جنبشی و مبارزاتی را البته نباید تنها در سرکوب سبانه‌ی رژیم، دستگیری‌های گسترده در میان دانشجویان، زنان، کارگران، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌های ملی و قومی، گروه‌های اپوزیسیون، کنشگران مدنی و اینترنتی... که به خروج تعداد زیادی از فعالان این جنبش‌ها به خارج از کشور انجامیده است پیدا کرد. به طور کلی وخامت اوضاع اقتصادی کشور، بیکاری، گرانی و گرفتاری روزمره برای گذران زندگی در نزد بخش‌های وسیعی از مردم، تهدید و ارباب پلیسی-ایدئولوژیکی از سوی رژیم، نگرانی‌های موجود نسبت به خطر احتمالی جنگ و نامعلومی آینده‌ی ایران پس از جمهوری اسلامی با توجه به وضعیت نابسامان اپوزیسیون و ناروشتی و ابهام در طرح‌ها و برنامه‌های آلترناتیوی آنها... همه‌ی این عوامل در رکود وضعیت مبارزاتی کنونی تاثیر گذار می‌باشند.

امروزه، ضرورت تدارک زمینه‌های سیاسی، نظری و عملی برای اعتلای جنبش‌های اجتماعی در ایران و ضرورت سازمان‌یابی مجدد کنشگران سیاسی-اجتماعی با درس‌گیری از کمبودها و نارسایی‌های جنبش اعتراضی خرداد ۸۸، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. امروز فعالان اجتماعی بیش از هر چیز در برابر وظیفه‌ی مبرم بازبینی انتقادی فعالیت‌های خود در جنبش همگانی گذشته به منظور ابداع شیوه‌ها و شکل‌های مستقل دخالت‌گری اجتماعی در جنبش‌های آینده قرار دارند.

ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران برآنیم که وظیفه کنونی و اصلی اپوزیسیون آزادی‌خواه و مترقی خارج کشور، در آن بخشی که از رویکرد مداخله‌گری جنبش‌های اجتماعی به امر سیاست و سیاست‌ورزی می‌نگرد، عبارت است از هم‌کوشی نظری و عملی با فعالان اجتماعی در داخل و خارج کشور برای بازبینی، بازسازی و سازمان‌یابی

جنبش‌های مدنی و انجمنی یعنی جنبش زنان، دانشجویان، کارگران و اقوام ساکن ایران، چگونگی این هم‌کوشی و هم‌گرایی با فعالان جنبش‌های مدنی و سیاسی- اجتماعی و دست یابی به راه‌کارهای مشخص برای اعتلای مجدد جنبش‌های اجتماعی در ایران را تنها می‌توان در فرایند رایزنی‌ها، همکاری‌ها و آزمون‌های کوچک و بزرگ، در چهارچوبی آزاد، دموکراتیک و برابری به تدریج فراهم، پیدا و به کار بست.

### ۳- برای گذار از نظام جمهوری اسلامی در ایران

با خروج بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی از قدرت، در پی جنبش اعتراضی ۸۸، اختلافات و مناقشات درونی رژیم نه تنها رو به پایان نرفته بلکه شدت نیز یافته‌اند. بحران سیاسی حادی امروز حکومت اسلامی را فرا گرفته است. اختلاف‌ها و تضادها در درون جناح‌های حاکم میان بیت ولایت فقیه، دولت احمدی نژاد، نهادهایی چون مجلس اسلامی، سپاه پاسداران و روحانیت و در درون هر یک از این دستگاه‌ها بالا گرفته‌اند. با این که در گذشته نیز اختلاف‌ها در درون هیئت حاکمه‌ی اسلامی همواره وجود داشته‌اند اما این بار، بحران سیاسی بر سر مدیریت وضع نابهنجار و پیچیده‌ی کنونی بویژه با تحریم‌های روزافزون بین‌المللی باز هم شدیدتر شده است، به طوری که شکاف‌های ژرف‌تری را در سطح حاکمیت ایجاد کرده است. با این همه تجربه‌ی سی ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان داده است که این سیستم برای حفظ و بقای خود همواره از توانایی حل اختلافات و مناقشات درونی از جمله از طریق سازمان دادن انتخابات در میان خود و در نتیجه جلوگیری از فروپاشی از بالا برخوردار بوده است.

اما امروز، افزون بر بحران سیاسی، یک بحران شدید اقتصادی نیز بر کشور و جامعه دامن گسترده است. در نتیجه‌ی سیاست‌های نابخردانه‌ی اقتصادی و مالی رژیم و ادامه‌ی مآجراجویی هسته‌ای‌اش، انزوای کشور و سقوط مناسبات متعارف اقتصادی و سیاسی ایران با جهان، اقتصاد ایران با نابهنجاری‌های فراوان و غیر قابل برون رفتی در شرایط کنونی مواجه شده است. بیکاری، گرانی و تورم به کاهش روزافزون قدرت خرید بخش عظیمی از مردم منجر شده‌اند و در نتیجه پیامدهای فاجعه‌باری برای بخش‌های وسیعی از مردم به‌ویژه زحمتکشان و اقشار متوسط در زمینه‌ی کار و کسب و گذران زندگی به بار آورده‌اند. این در حالی است که اقلیتی کوچک اما غارتگر با اتکا به مافیای دولت، سپاه پاسداران و نهادهای پر قدرت اسلامی صاحب ثروت‌هایی کلان با ارقامی نجومی می‌شوند. ناگواری شدید اوضاع کشور تا آن جا پیش رفته است که بسیاری از تولیدات، کارخانه‌ها و مراکز صنعتی تعطیل و

حقوق‌های کارگران پرداخت نمی‌شوند. با به اجرا درآمدن نسبی طرح یارانه‌ها و قانون آزاد سازی کامل قیمت‌ها باز هم از قدرت خرید مردم به‌ویژه اقشار کم درآمد کاسته شده است. تحریم‌های اقتصادی و ناروشنی وضع آینده کشور افت شدید تولیدات در حوزه صنایع را ایجاد کرده است. اقتصاد ایران بیش از پیش بیمار و متکی به رانت نفتی شده است که تولید و فروش آن به دلیل تحریم‌ها رو به کاهش می‌روند. در همین حد نیز ثروت ناشی از فروش نفت به طور عمده به جیب مافیای صاحب قدرت سیاسی و انتظامی و بخش کوچکی از جامعه می‌رود.

بحران‌های سیاسی و اقتصادی رژیم خصلتی ساختاری دارند که از ماهیت نظام بر می‌تابند. اما مساله این‌جاست که از یکسو، این بحران‌ها به تنهایی نمی‌توانند رژیم را ساقط کنند و از سوی دیگر نیز ادامه‌ی زندگی چنین نظامی بحران‌زا و تخریب‌کننده کشور و جامعه را رو به قهقرا و نیستی می‌کشانند.

ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران برآنیم که مبارزه برای گذار از نظام جمهوری اسلامی از طریق اعتلای جنبش‌های اجتماعی و مبارزات مردم ایران مطلوب‌ترین راه خروج از بن بست اوضاع نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنونی است. خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز برجیده شود و برای آن مبارزه می‌کنیم؛ هرچند که کارنامه‌ی خشونت‌بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی‌کند. ما از شکلهای گوناگون جنبش‌های اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و بر این باوریم که در نهایت، شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

#### **۴- برای مخالفت با سیاست هسته‌ای رژیم و حمله نظامی**

هدف سیاست هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی، تبدیل خود به قدرتی نظامی با تسلیحات اتمی به منظور اعمال هژمونی بر منطقه است. استراتژی غرب در بحران هسته‌ای ایران، علاوه بر تامین منافع خود در منطقه، تلاش برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای حتا با تهدید به مداخله نظامی و توسل به جنگ است. اما هم مداخله نظامی و هم دستیابی رژیم به سلاح هسته‌ای آلترناتیوهای هستند که خطر تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیروهای ترقی‌خواه و دموکرات کشور را در بر دارد.

ما هرگونه حمله نظامی به ایران را ناقض استقلال کشور و به حق

حاکمیت مردم ایران بر سرنوشت خود دانسته آن را به شدت محکوم می‌کنیم. ما بر این باوریم که کسب آزادی و دموکراسی در هر کشوری، از جمله در ایران، امر مردم آن کشور است و به دست خود آنان باید انجام پذیرد.

در زمینه سیاست هسته‌ای رژیم، ما مخالفت خود را با غنی سازی اورانیوم برای دستیابی به سلاح هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی اعلام داشته آنرا مغایر با ارزشهای صلح جویانه و حفظ محیط زیستی می‌دانیم. در همین راستا ما نه تنها مخالفت خود را با ساخت سلاح اتمی اعلام می‌داریم بلکه مخالف ساخت هر گونه سلاح کشتار جمعی (میکروبی، شیمیایی و...) نیز هستیم. ما خواهان شکل‌گیری جهان و خاور میانه‌ای مبرا از سلاح اتمی هستیم.

امروزه تحریم‌های بین المللی ابعادی بی‌سابقه و گسترده یافته‌اند. با این که از طریق تحریم‌های هدفمند بهتر می‌توانند رژیم ایران را به پس‌نشستن از غنی سازی وادار ساخت، اما با این همه خطر حمله نظامی به ایران به‌ویژه از سوی دولت اسرائیل را نمی‌توان منتفی دانست. مسئولیت تحریم‌های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی میکند و مسئولیت حمله‌ی نظامی به طور عمده متوجه حاکمان ایران است که بخش بزرگی از درآمدهای نفتی را به برنامه اتمی آشکار و پنهان خود اختصاص داده و به سیاست غنی‌سازی هسته‌ای خود با اهدافی نظامی ادامه می‌دهند.

روشن است که تحریم‌ها در شرایطی که دولت و سپاه پاسداران شریان‌های اقتصاد جامعه را در دست دارند تاثیرات زیان‌بار و مخربی بر اقتصاد بحرانی ایران و بدین وسیله بر زندگی و معاش توده مردم به‌ویژه اقشار تهیدست بر جای می‌نهند. اما چشم فرو بستن جامعه بین‌المللی بر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی در منطقه و در نتیجه باز گذاشتن راه اتمی شدن این رژیم نیز پیامدهای منفی و مخربی برای مردم ایران در بر دارد.

تاکنون در جمهوری اسلامی اکثر قدرتهای بزرگ مالی و نظامی دنیا فعالیت‌های اقتصادی داشته اند و بخصوص این نظام توسط آنان علیه مبارزات به حق مردم مجهز به ابزارهای مدرن سرکوب نیز شده است. اختلاف ما و مردم با جمهوری اسلامی از نوع اختلاف قدرتهای بزرگ جهانی با نظام نیست. از اینرو ما ضمن مخالفت با دخالت سیاسی و نظامی کشورهای خارجی در امور داخلی ایران مخالفت خود را با غنی سازی اورانیوم و ساخت سلاحهای کشتار جمعی (اتمی شیمیایی و میکروبی)

در ایران و جهان اعلام می داریم.

## ۵- برای تحریم انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری

بار دیگر در خرداد ماه آینده، نمایش مضحک‌ای به نام «انتخابات ریاست جمهوری» برای دوره یازدهم به روی صحنه خواهد آمد. این بار اما همه‌ی شواهد تا به امروز نشان می‌دهند که جناح‌های رقیب حاکم و سپاه پاسداران و در راس آن‌ها بیت ولی فقیه نقشه‌ی انتخاباتی را از پیش کشیده‌اند که به هر ترتیب و بهایی تجربه‌ی شوم انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ برای آنان تکرار نشود.

در آن انتخابات، برخورد خشن حاکمان جمهوری اسلامی تأکیدی بر سلطه بلامنازع بیت رهبری در سیاست‌های نظام بود. در آن انتخابات آن‌ها حتی در میان جناح‌های خودی نیز پایبند به رعایت حقوق نامزدها چون دوران گذشته نشدند. گردانندگان نظام در جهت هر چه بیشتر بستن جامعه و سرکوب هرگونه مخالفت با تصمیم ولی فقیه قدم برداشتند و هر شکل مخالفتی را حتی در جبهه خودی‌ها سرکوب کردند.

از این رو این بار با انتخاباتی به مراتب محدودتر به برگزیدگان شورای نگهبان و غیر دموکراتیک‌تر از انتخابات دوره‌های پیشین روبه‌رو خواهیم بود.

تفاوت دیگر این دوره انتخابات با دوره‌ی دهم در نقشی است که اصلاح‌طلبان خارج از حکومت بازی خواهند کرد. اینان بر سر دو راهی شرکت نامشروط یا عدم شرکت در انتخابات قرار دارند. اما با توجه به سرکوب چهار سال اخیر، در بند بودن تعدادی از فعالان و رهبران‌شان و سخت‌گیری حاکمان و بسته تر شدن هر چه بیشتر نظام، امکان شرکت اثرگذار آن‌ها در انتخابات منتفی است. با این حال شرکت بخشی از اصلاح‌طلبان در انتخابات را نمی‌توان منتفی دانست.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مصمم‌تر از گذشته، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری جانبداری می‌کند. اهمیت این تحریم را زمانی بهتر درک می‌کنیم که تقلای مستمر جمهوری اسلامی در کسب مشروعیتی مردمی برای خود در درازای عمر تا کنونی‌اش را دریابیم. مستبدان اسلام‌گرای حاکم بر ایران، از آغاز استقرار حکومت‌شان تا کنون، همواره خواسته‌اند به خود و جهانیان نشان دهند که از پشتیبانی مردم ایران برخوردارند. در نتیجه همواره می‌کوشند که رأی مردم در «انتخابات» مختلف، از جمله در مهمترین آن‌ها یعنی انتخابات ریاست جمهوری را



به حساب «رأی داوطلبانه‌ی» مردم به حکومت اسلامی وانمود سازند تا از این طریق بتوانند هم در صحنه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی جهانی قدرت نمایی کنند. با دستی باز، در داخل کشور سلطه بر مردم را تشدید و خواست‌های دموکراتیک و آزادی خواهانه‌ی آنان را سرکوب کنند و در خارج از کشور سیاست‌های ماجراجویانه خود را بی‌پروا ادامه دهند.

ما بر این باوریم که شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، به‌ویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات، بر عکس، نشانه‌ی مخالفت با استبداد و خواست آزادی و دموکراسی به سوی ایرانی‌رها از جمهوری اسلامی است.

## ۶- مواضع بنیادی ما. انتخابات آزاد و راه‌کار مجلس مؤسسان

- در شرایط کنونی، اپوزیسیون دموکرات، جمهوری‌خواه و مدافع جدایی دولت و دین در ایران باید همچنان و بیش از گذشته بر بنیادها، اصول و اهداف مبارزه‌ی خود ایستادگی و پافشاری کند. این‌ها عبارتند از: مبارزه برای آزادی‌های مدنی در ایران؛ مبارزه برای رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی- سیاسی و پشتیبانی از آن‌ها؛ مبارزه برای دفاع از حقوق بشر و میثاق‌های دموکراتیک بین‌المللی؛ ترویج اصول دموکراسی و توضیح مضمون بدیل جمهوری مورد نظر که مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی، لائسیته، عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و استقلال است.

- در شرایطی که قشرهای وسیعی از شهروندان ایران به‌ویژه جوانان بیش از پیش روی به افکار و ایده‌های مدرنیته و از جمله جدایی دولت و دین می‌آورند، نیروهای جمهوری‌خواه و لائیک وظیفه دارند که به تبلیغ و ترویج این افکار و ایده‌ها به‌ویژه لائسیته و ضرورت تحقق آن‌ها در ایران بپردازند. لائسیته ترجمان شفاف و بدون ابهام مفهوم «جدایی دولت و دین» در سه رکن اساسی آن است. یکم، به معنای استقلال و خودمختاری دولت و بخش عمومی و به طور مشخص سه قوای مجریه، مقننه و قضایی از دین، احکام و دستگاه آن یعنی شریعت و روحانیت است. دوم به معنای آزادی به باورهای دینی و غیر دینی و اعمال فردی یا جمعی آن‌هاست. سوم به معنای عدم تبعیض چه مستقیم یا غیر مستقیم نسبت به افراد، بدون در نظر گرفتن اعتقادات مذهبی، رنگ پوست، خاستگاه، عقیده، جنسیت و ملیت آن‌هاست.

- دولت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای مختلف آن، به‌ویژه در چند سال اخیر، بی‌توجه نسبت به بقای نسل‌های آینده کشور، دست به تخریب بی‌پروای محیط زیست در شهرها، شهرستان‌ها و مناطق مختلف ایران می‌زنند. ما برآنیم که پاسداری از طبیعت و محیط زیست، چه در رفتارهای فردی و چه در سیاست‌های کلان اجتماعی و بهره‌وری اقتصادی، همزیستی با طبیعت در فرایند رشدی پایدار و سازنده، جایگزینی منابع انرژی کنونی چون نفت، چگونگی پایان دادن به سلطه یکجانبه بهره‌کشی ویرانگر از طبیعت و محافظت از محیط زیست و طبیعت چالش بزرگ پیش‌روی جامعه‌ی ما در امروز و فردای آن است.

- امروزه، بخش‌هایی از اپوزیسیون و بیش از همه در خارج از کشور از راه‌کار «انتخابات آزاد» چون شعار اصلی و تعیین‌کننده نام می‌برند. اصل انتخابات آزاد و دموکراتیک به عنوان یکی از ارکان بنیادین جمهوری و دموکراسی در برابر استبداد و دین‌سالاری همواره مورد تأکید و دفاع ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران قرار گرفته و می‌گیرد. انتخابات آزاد یکی از مطالبات اصلی شهروندانی بود که در جنبش اعتراضی ۸۸ خواهان پایان‌دادن به دیکتاتوری و استقرار آزادی‌های مدنی در ایران شدند. اما در جمهوری اسلامی ایران انتخابات برای نهادهایی سرپا دینی و تبعیض‌آمیز و تحت قوانینی به همان‌سان دینی و تبعیض‌آمیز که پایه‌ای‌ترین‌شان قانون اساسی اسلامی است انجام می‌پذیرند. انتخابات آزاد در ایران در شرایطی امکان‌پذیر است که از یکسو جنبش‌های سیاسی- اجتماعی مردم بتوانند تناسب قوایی به سود خود ایجاد کنند که حاکمیت جمهوری اسلامی قادر نشود به میل خود و بنا بر قانون اساسی‌اش عمل کند و از سوی دیگر وضعیتی چون آزادی‌های اجتماعی و مدنی، حقوق و امکانات برابر برای شرکت همه‌ی سازمان‌ها و گروه‌ها در انتخاباتی آزاد و دموکراتیک فراهم باشد. هیچ یک از این الزامات اما در جمهوری اسلامی ایران حتا در ابتدایی‌ترین عرف بین‌المللی وجود ندارد.

- شعار اصلی راه‌کاری ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، مبارزه برای استقرار جمهوری و دموکراسی در ایران بر پایه جدایی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس مؤسسان مردم است. به باور ما روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه حل تشکیل مجلس مؤسسان مردم از طریق انتخاباتی آزاد و دموکراتیک برای تدوین قانون اساسی جدید را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه‌کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن چه که باید جایگزین

نظام کنونی شود خواهد کرد.

۱۹ مه ۲۰۱۳ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

## **طرح همگرایی و اتحاد عمل گسترده جمهوری خواهان ایران**

### **مصوبه گردهمایی پنجم جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ۱۹ می ۲۰۱۳**

مردم ایران افزون بر یک سده است که از انقلاب مشروطه تا کنون برای دمکراسی و استقلال مبارزه کرده اند. این مبارزات در فرایند خود گرچه با انقلاب سال ۱۳۵۷ به برچیدن سلطنت مطلقه در ایران منجر شد، اما نتوانست دمکراسی در کشور را به ارمغان آورد. به جای آن با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، استبداد دینی نوینی شکل گرفت. سی و چند سال سرکوب و اتخاذ سیاست های تبعیض آمیز جنسیتی، دینی، اتنیکی و بی حقوقی عمومی شهروندان ایرانی، گسترش گرانی، بیکاری، فقر و سیاست های فلاکت بار داخلی و ماجراجویی های بین المللی رژیم به ویژه در زمینه بحران هسته ای، تحریم های اقتصادی روز افزون و تهدیدات نظامی نگران کننده قدرت های خارجی، ایران را در موقعیت مخاطره آمیزی قرار داده است.

در چنین شرایطی ایجاد بلوک نیرومندی از گروه های متنوع اپوزیسیون جمهوری خواه با پیشینه و افق های فکری و سیاسی گوناگون، می تواند در تقویت راه حل دمکراتیک که خواستار گذار مسالمت آمیز از استبداد دینی حاکم به نظامی جمهوری مبتنی بر جدایی دین و دولت است نقش مهمی ایفا کند. برای بررسی چگونه گی امکان برون رفت از وضعیت کنونی، پایان بخشیدن به استبداد دینی حاکم و گذار به دمکراسی در ایران، و بررسی زمینه ها و موانع همگرایی جمهوری خواهان، می بایست برای برگزاری کنفرانس های بزرگ پی در پی جمهوری خواهان گام برداشت.

حضور هرچه بیشتر گرایشات متنوع جمهوری خواه در این کنفرانس ها، در گرو آن است که عام ترین پایه های موازین جمهوری خواهان - جمهوری، دمکراسی و جدایی دین و دولت از یکدیگر بر پایه موازین جهانی حقوق بشر - کارپایه این گردهمایی ها باشد. کم ترین هدف این پروژه می تواند سازماندهی دیالوگ سالم بین گرایشات گوناگون جمهوری خواهی باشد و در بهترین حالت می تواند به ابزار همگرایی و نزدیکی بیشتر جمهوری خواهان و یا بخش های بزرگ تری از آن بدل گردد.

در این راستا مدتی است به ابتکار جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران دیالوگ های سازنده و گسترده ای میان ما و اتحاد جمهوری خواهان ایران، اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران و همچنین سازمان جمهوری خواهان ایران جریان داشته است. پیشرفت این پروژه و سازماندهی کنفرانس های پی در پی و بزرگ جمهوری خواهان در گرو آن است که از تعداد هر چه بیشتر نیروهای جمهوری خواه برای شرکت در این کنفرانس ها دعوت به عمل آورد تا این دیالوگ ها و همکاری ها بتواند اثر و بازتاب اجتماعی درخوری در سطح کل جامعه ایران داشته باشد. گردهمایی پنجم پیشنهاد می کند هیئت های نمایندگی از این جریان های جمهوری خواه تشکیل شوند تا گفتگوها و همکاری های فشرده تری در راستای تلاش برای دسترسی به اهداف فوق سازمان یابد.

### **منشور سیاسی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مصوبه گردهمایی پنجم جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ۱۹ مه ۲۰۱۳**

- دفاع از حق حاکمیت مردم ایران، پایبندی به استقلال کشور و مخالفت با مداخله قدرت های خارجی در تعیین سرنوشت کشور.
- تلاش در راه استقرار جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد و همگانی با رأی مخفی، برابر و مستقیم شهروندان.
- سپردن ادارات کشور به دست نمایندگان منتخب مردم. تفکیک و استقلال قوا، از جمله مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی و مجازی. پایبندی به اصل تناوب قدرت سیاسی و انتخابی بودن مسئولان و گردانندگان کشور.
- جدائی دولت و دین و مسلک. حفظ بیطرفی دولت نسبت به ادیان. نبود دین رسمی در قانون اساسی و سایر قوانین کشور. پایبندی به اصل آزادی ادیان، اعتقادات و وجدان.
- پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی، از جمله آزادی گزینش شیوه زندگی، آرایش و پوشش. پذیرش و دفاع از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق های مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).
- تأمین آزادی های اجتماعی بنیادی، از جمله آزادی اندیشه، بیان و

قلم و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، انجمن ها، احزاب و سازمان های سیاسی و دفاع از حق اعتصاب و تظاهرات.

• یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون و برخورداری برابر از حقوق فردی و اجتماعی، مستقل از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، زبان و کیش و مسلک. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) و نیز مفاد اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).

• لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴).

• پایبندی به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش شکاف های طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و ریشه کن ساختن گرسنگی و فقر. تلاش در راه برخورداری هرچه گسترده تر و برابر شهروندان از خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی بنیادی.

• تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همه عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.

• پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانه ثروت های ملی برای رفع محرومیت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور. سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان. عدم کارگیری قهر و خشونت در حل مسائل ملی-قومی و گشودن مباحثه ای ملی جهت تعیین شکل و چارچوب مطلوب برای تحکیم همزیستی تاریخی و مسالمت آمیز مردم سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...). پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).

• پاسداری از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار. هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی. هزینه های عظیم اقتصادی و لطمات جبران ناپذیر برای محیط زیست، ورود به چرخه هسته ای، زندگی مردم و نسل های آینده میهن مارا به

خطرمی اندازد.

• پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمر آن تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته اند.

• دفاع از صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها، در منطقه خاورمیانه و جهانی عاری از سلاح های هسته ای.  
راهبرد سیاسی

• خواست ما اینست که نظام بیدادگر جمهوری اسلامی، به اراده مردم و به شیوه مسالمت آمیز برچیده شود؛ هرچند که کارنامه خشونت بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی کند. ما با تکیه بر اشکال مسالمت آمیز مبارزه، از جنبش های اعتراضی و نافرمانی های مدنی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می کنیم و بر این باوریم که شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

• لازم گذار دموکراتیک به نظام جانشین، فراخواندن مجلس مؤسسان است که از طریق انتخابات آزاد و با رأی همگانی در شرایط تضمین کامل آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی تشکیل شود. مجلس مؤسسان، نوع نظام آینده را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین می کند و به همه پرسى می گذارد. ما هوادار نظام جمهوری هستیم.

۱۹ مه ۲۰۱۳ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

[/http://www.jjdli.com/fa](http://www.jjdli.com/fa)

---

# سند ساختار جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوب گردهم آیی پنجم

۱۷ - ۱۹ مه ۲۰۱۳ - ۲۷ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

توضیح: یکی از اسناد مصوبه گردهمایی پنجم سند ساختار است که با تغییراتی در سند ساختار پیشین به تصویب رسید.

تغییرات در سند ساختار نیازمند رای بیش از دو سوم آرا گردهمایی سراسری است که این تغییرات در گردهمایی پنجم با رای بیش از دو سوم به تصویب رسید. همچنین بنا بر درخواست گردهمایی این سند همچون دیگر اسناد مصوبه توسط هیئت رئیسه گردهمایی و شورای هماهنگی جدید ویرایش نهایی شده است.

## ۱- نام- جنبش جمهوریخواهان دموکرات ولایت ایران

۲- تعریف - جنبش جمهوریخواهان دموکرات ولایت ایران برای جمهوری، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی در همه زمینه‌ها از جمله برابر حقوقی جنسیتی در ایران مبارزه میکند. جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لایت ایران جنبشی است کثرت‌گرا، فراگیر، علنی و مستقل که در آن همراهان از خاستگاه‌ها و افق‌های گوناگون گرد آمده‌اند تا با جایگاهی برابر، ابتکارات فردی و کوشش‌های جمعی و داوطلبانه خود را در عرصه‌های نظری و عملی از راه‌های دموکراتیک و بر مبنای اسناد پایه مصوب گردهمایی‌های سراسری به پیش برند.

۳- همراه کسی است که خود را جمهوریخواه دموکرات و لایت می‌داند و به‌گونه‌ای با این جنبش در پیوند است. مبنای مشارکت همراهان اراده‌ی آزاد و داوطلبانه، پذیرش مسئولیت و پاسخ‌گویی نسبت به آن است.

همراهان با توجه به توان مالی خود به صندوق مالی کمک می‌کنند. مشارکت در کوشش‌های جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لایت ایران (مخفف آن "جنبش ج د ل ا") فردیست، صرف‌نظر از وابستگی یا عدم وابستگی افراد به احزاب، سازمان‌ها و انجمن‌های دیگر. همراهان همه جا از حقوق یکسان بر خوردارند، از جمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.

۴- نهاد محلی- همراهان می‌کوشند برای پیش‌برد فعالیت‌ها در محل اقامت خویش نهادهای محلی به‌وجود آورند. نهادها در همه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش خودمختارند، تعلق آن‌ها به "جنبش ج د ل ا" بر مبنای اسناد پایه و مصوبات نشست سراسری است. نهادها در اتخاذ مواضع سیاسی و انتشار آن‌ها به نام واحد محلی خود در صورت وجود تفاهم و یا احراز اکثریت آراء آزادند. اقلیت برای دفاع از نظرات خود و تبلیغ علنی آن می‌تواند از همه امکانات جنبش استفاده کند.

- واحدهای محلی در سطوح شهری یا کشوری برپایه سندسیاسی و سندساختار، تشکیل می‌شوند و در چارچوب این دوسند، در تمام فعالیت‌های خویش خودمختارند.

- حد نصاب واحد‌های محلی ۵ نفر است.

- مسئولیت موضع گیری های سیاسی واحدهای محلی برعهده خود این واحدهاست.
- واحد های محلی ازحق داشتن یک نماینده در شورای هماهنگی برخوردارند.
- واحدهای محلی که شمار همراهانشان به حد نصاب لازم نرسیده است ازحق داشتن یک نماینده ناظردرشورای هماهنگی برخوردارند.
- نماینده ، نمایندگان یا رابطین واحدهای محلی درشورای هماهنگی، بارای اکثریت همراهان این واحدها تعویض می شوند.

## ۵- گروه های کار

### ۱-۵ ترکیب و چگونگی شکل گیری

۱-۱-۵ شورای هماهنگی از بین خود مسئولین گروه های کاری را انتخاب می کند.

۲-۱-۵ مسئولین گروه های کاری با توجه به حجم کاری گروه تعداد اعضای خود را در هر مقطع زمانی میتواند انتخاب کنند.

۳-۱-۵ انتخاب اعضای گروه های کاری از میان داوطلبین متناسب با فعالیتهای گروه با مسئول گروه و با تأیید شورای هماهنگی است. ( تبصره ۱ )

۴-۱-۵ تصمیم گیریهای گروه بر اساس رأی اکثریت تشکیل دهنده گروه قابل اجراست. (تبصره ۲)

۵-۱-۵ سه بار غیبت غیر موجه همراه داوطلب در جلسات گروه های کاری می تواند با تصمیم جمعی گروه منجر به حذف همراه از گروه شود.

تبصره ۱ : بعد از تشکیل گروه های کاری در خواست جدید از همراهان برای شرکت در گروه های کاری با تصمیم اکثریت گروه است.

تبصره ۲ : در صورت برابری رأی ها نظرمسئول گروه راه گشاست. بر این اساس توصیه می شود که تعداد اعضای گروه ها فرد باشد.

## ۵-۲ وظایف و اختیارات

۱-۲-۵ گروه کار "سیاسی" به سهم خود موظف است در تدارک بحث های علنی پیرامون مضامین مطرح در اندیشه جمهوری خواهی و پیشبرد مباحثی که نشست سراسری مشخص می کند بکوشد.

۲-۲-۵ گروه "ارتباطات" نهاد ارتباطی سراسری و عهده دار مناسبات جنبش با نیروها و مجامع ایرانی و خارجی بوده، موظف است در معرفی جنبش به افکار عمومی ایرانی و خارجی بکوشد.

۳-۲-۵ گروه "سایت و شبکه های اجتماعی" بازتاب دهنده افکار جنبش



جمهوری خواهی پیرامون مضامین پایه ای آن مثل جمهوری خواهی، دموکراسی و لائیسیته می‌باشد.

۴-۲-۵ گروه‌های کاری آئین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین می‌کنند. آئین‌نامه انتشار علنی خواهد یافت.

۵-۲-۵ گروه‌های کاری در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش (در چارچوب موازین ج.ج.د.ل.ا) خود مختار هستند.

۶-۲-۵ مسئولین گروه‌های کاری موظفند گزارش کاری گروه خود را به همراهان، شورای هماهنگی و گردهمایی سراسری ارائه دهند.

۷-۲-۵ در نبود گردهمایی سراسری فقط شورای هماهنگی می‌تواند برکل فعالیت گروه‌ها در صورت عدم تناسب فعالیت آنها با سند ساختار و سیاسی ناظر و تصمیم‌گیرنده باشد.

#### ۶ - گرایش‌های سیاسی - نظری

همراهان هم نظر می‌توانند در محدوده توافقات سند سیاسی در گرایش‌های گوناگون خود را متشکل نموده و از تمام امکانات جنبش برای تبلیغ علنی نظرات خود استفاده کنند و اعلام موضع نمایند.

#### ۷- شورای هماهنگی

تعریف: شورای هماهنگی فعالیت‌های نهادهای گوناگون ج.ج.د.ل.ا را هماهنگ می‌کند.

#### ۷-۱ ترکیب و چگونگی شکل‌گیری

پنج نفر از همراهان که در گردهمایی سراسری با رای مستقیم و مخفی انتخاب می‌شوند همراه با رابطین نهادهای محلی شورای هماهنگی را تشکیل می‌دهند.

تبصره ۱: در صورتی یک واحد محلی همراهی به شورای هماهنگی می‌فرستد که از میان مسئولین گروه کار تشکیل دهنده شورای هماهنگی در گرد همائی سراسری فردی از این واحد حضور نداشته باشد. مگر اینکه تعداد همراهان آن واحد از ده نفر بیشتر باشند.

#### ۷ - ۲ وظائف و اختیارات

۱- ۲ - ۷ شورای هماهنگی عهده دار پیشنهاد و تدارک کارزارهای سراسری است.

۲- ۲ - ۷ شورای هماهنگی میتواند نسبت به رویدادهای سیاسی ملی و بین‌المللی، پس از انجام نظرخواهی با همراهان در باره مضمون واکنشی که باید نشان دهد، به نام جنبش ج.ج.د.ل.ا موضع‌گیری کند.

۳ - ۲ - ۷ شورای هماهنگی می‌تواند به نام شورای هماهنگی نسبت به رویدادهای سیاسی اعلامیه صادر کند.

۴- ۲ - ۷ تامین بودجه فعالیت‌های سراسری. (توسط همراهان تامین

می‌گردد.)

تبصره: صندوق مالی زیر نظر شورای هماهنگی تشکیل می‌گردد.

۵- ۲ - ۷ شورای هماهنگی آئین نامه داخلی خود را تدوین می‌کند و آن را در اختیار سایر همراهان قرار می‌دهد.

۶- ۲ - ۷ شرکت و مشارکت همراهان در جلسات شورای هماهنگی بدون حق رای آزاد است.

#### ۸- مشارکت زنان

برای عملی‌شدن امر سهمیه بندی:

در پیروی از مصوبه نخستین گردهمائی سراسری مبنی بر پذیرفتن سهمیه ۵۰ درصدی زنان، که هدف جنبش می باشد و مشارکت متساوی زنان و مردان، در تمام نهادهای انتخابی و عرصه های فعالیت جمعی، در صورتی که تعداد شرکت‌کنندگان زن در نشست‌های همگانی محدود بود، کوشش می شود حتی المقدور در نهادهای انتخابی به هدف ۵۰ درصد نزدیک شد.

#### ۹- گردهمائی سراسری

- گردهمائی سراسری، بالاترین نهاد «جنبش» است.

- گردهمائی سراسری عادی هر دو سال یکبار، با شرکت مستقیم همراهان و به صورت علنی برگزار می‌شود.

- گردهمائی سراسری، در تمام امور جاری سیاسی و تشکیلاتی تصمیم‌گیری می‌کند، و تصمیماتش را با پشتیبانی آرای اکثریت همراهان حاضر به اجرا می‌گذارد.

- در گردهمائی سراسری عادی، بر مبنای گزارش شورای هماهنگی، فعالیت آتی جنبش مورد بحث و بررسی همراهان قرار می‌گیرد و راستای حرکت آینده تعیین می‌شود.

- گردهمائی سراسری فوق‌العاده به درخواست بیست درصد از همراهان برگزار می‌شود.

- نحوه انتخابات در گردهمائی سراسری

حداقل رای لازم برای انتخاب کاندیداهای شورای هماهنگی ۲۰ در صد آراء حاضرین در جلسه می باشد.

- برای هرگونه تغییر در سند سیاسی و یا سند ساختار، تصمیمات با اکثریت بیش از شصت درصد همراهان حاضر به تصویب می‌رسد.

# انتخابات ریاست جمهوری در ایران و موازین انتخابات آزاد

مهرداد درویش پور  
متن سخنرانی در نشست های جانبی بیست و سومین اجلاس شورای حقوق بشر  
سازمان ملل در ژنو

تنها ایستادگی مردم ایران و فشار بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران می تواند اراده نوبنیادگرایان اسلامی را در نقض گسترده تر حقوق ایرانیان به عقب براند و شانس صلح ، دموکراسی و امنیت را در ایران و منطقه گسترش دهد.

خانم ها ، آقایان  
با سلام. پیش از هر چیز از سازمان مردم نهاد "سود ویند" و کارزار مدافعان ایرانی حقوق بشر و به ویژه خانم آینده آزاد (شعله زمینی) و آقایان حسن نایب هاشم و حماد شیبانی که مرا به نشست های جانبی بیست و سومین اجلاس شورای حقوق بشر در ژنو دعوت کرده اند تا در باره نقض موازین حقوق بشر و معیارهای انتخابات دموکراتیک و آزاد در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری ایران سخن بگویم، بسیار سپاسگزارم.

ویژگی انتخابات این دوره از ریاست جمهوری در ایران تنها در ضد دموکراتیک بودن و تبعیض آمیز بودن آن و ناخوانایی آن با موازین بین المللی انتخابات آزاد و دموکراتیک خلاصه نمی شود. آنچه این انتخابات را از انتخابات پیشین و به ویژه انتخابات ریاست جمهوری از سال ۷۶ تا کنون جدا می کند، خصلت به شدت بسته تر و گزینشی تر آن است که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بی سابقه است. این که چرا جمهوری اسلامی ایران حتی یکی از معماران اصلی این نظام و کاندیدای دولت کودتای انتخاباتی سال ۸۸ خود را نیز رد صلاحیت کرد، پرسش جدی است که با پرداخت به آن می توان مفهوم عروج و تهاجم نوبنیاد گرایی اسلامی برای بسته تر کردن هر چه بیشتر نظام سیاسی و پیامدهای آن برای جامعه و جهان را دریافت. مایلم در این فرصت کوتاه به ویژه گی های سه گانه ای که در متن آن انتخابات کنونی ریاست جمهوری ایران برگزار می شود بپردازم.

## ۱. تبعیض آمیز بودن موازین انتخابات

نظام جمهوری اسلامی بر تئوکراسی (دین سالاری) استوار است. دین سالاری به معنای قائل شدن به امتیازات دینی، حقوق ویژه و برتری آن در اداره کشور است که امکان حق برابر شهروندان را برای انتخاب شدن و انتخاب کردن که پیش شرط هر انتخابات دمکراتیکی است از بین می برد. این که افرادی به دلیل تعلق دینی، زن بودن، غیر مسلمان بودن، غیر شیعه بودن و یا تنها به دلیل ناباوری به اصل ولایت فقیه، حق کاندید شدن در ریاست جمهوری را نمی یابند، خود گستره تبعیض آمیز بودن قانون اساسی ایران و تناقض فاحش شرایط انتخابات ریاست جمهوری در ایران را با موازین بین المللی حقوق بشر و یک انتخابات آزاد و دمکراتیک به نمایش می گذارد.

به عبارت دیگر تنها اقلیتی هر چند بزرگ از شهروندان از حق انتخاب شدن و به تبع آن حق انتخاب کاندید مطلوب و مورد نظر خود برخوردارند. زنان به عنوان نیمی از جامعه رسماً حق کاندید شدن را ندارند چون از نظر نظام "رجل" محسوب نمی شوند. پیروان ادیان دیگر و حتی سنی های مسلمان که در مجموع حدود ۱۴ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، نیز از حق انتخاب شدن در ریاست جمهوری برخوردار نیستند. خداناباوران نیز که - به ویژه امروز با گسترش مذهب گریزی در ایران اقلیت به شدت در حال رشدی هستند - از حقوق سیاسی به مراتب کمتری نسبت به دین باوران برخوردارند. اما در میان مردان شیعه مذهب آنهم پیروان فرقه خاص اثنا عشری که نسبت به جمعیت کل کشور در اقلیت هستند نیز تنها کسانی که به ولایت فقیه معتقدند از حق قانونی انتخاب شدن برخوردارند. به عبارت دیگر اکثریت خرد کننده ای از شهروندان کشور بنا بر باورهای دینی، تعلق جنسیتی و یا باورهای سیاسی خود با تبعیض روبرو هستند و حق انتخاب شدن ندارند. بدین ترتیب انتخابات ریاست جمهوری در ایران بر پایه نوعی آپارتاید جنسیتی و دینی استوار است که تنها اقلیتی از شهروندان کشور در آن از حق انتخاب شدن برخوردارند.

برای مخالفان سیاسی نظام نیز حق و اجازه فعالیت سیاسی در نظر گرفته نشده است، چه برسد به کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری. این مخالفان طی چند دهه به بیرحمانه ترین شکل ممکن سرکوب شده اند و هزاران تن از آنها تنها به دلیل باورهای سیاسی دگراندیشانه شان اعدام شده اند. پرسش این جا است که زمانی که اکثریت مطلق از شهروندان جامعه نتوانند نماینده مطلوب و مورد نظر خود را کاندید و انتخاب کنند، آیا چنین انتخاباتی هیچ شباهتی با موازین بین المللی انتخابات دمکراتیک پیدا می کند؟ پاسخ من به

این پرسش به طور قطع منفی است.

## ۲. ضد دمکراتیک تر شدن موازین و شرایط انتخابات

انتخابات در جمهوری اسلامی ایران هرگز دمکراتیک و آزاد نبوده است. نخست آنکه رای یک حق است و نه یک تکلیف. اما جمهوری اسلامی از آغاز تا به امروز شرکت در انتخابات را یک تکلیف شرعی خوانده است و کوشیده است تا با استفاده از نفوذ دینی، اقدامات تطمیعی و یا تهدیدآمیز، تبلیغات عوامفریبانه و بالاخره با مخاطره آمیز کردن و یا مخاطره آمیز جلوه دادن نتایج ناشی از عدم شرکت در انتخابات برای شهروندان، آزادی شهروندان ایرانی را در شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات سلب کند. دیگر آن که قانون اساسی جمهوری اسلامی با قانونی کردن نهادهای خود ساخته و انتصابی نظیر ولایت فقیه که می تواند نتایج هر انتخاب را برهم زند، مجلس خبرگان و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام که جملگی ناقض حق شهروندان به عنوان عالی ترین منبع قدرت سیاسی است، تناقض انتخابات در جمهوری اسلامی ایران را با موازین بین المللی انتخابات دمکراتیک و آزاد نشان می دهد.

گذشته از رفتارهای سیاسی مستبدانه نظام در برخورد به مخالفان همچون اعدام، زندانی و شکنجه کردن مخالفان و غیر قانونی ساختن فعالیت آنان و به تبعید راندن آنان و پلیسی تر کردن روزافزون فضای جامعه، این قانون اساسی نظام است که بسیاری از حقوق شهروندی از جمله امکان انتخابات آزاد و دمکراتیک، اختیاری بودن شرکت در انتخابات، آزادی مطبوعات و احزاب و حق انتخاب کردن نماینده خود و انتخاب شدن را نقض و یا محدود ساخته است. برای نمونه متکی بودن نظام حاکم بر ایران بر استبداد دین سالار با تکیه بر اصل ولایت فقیه و اهمیتی که قانون اساسی ایران برای مشروعیت آسمانی اقتدارسیاسی نظام قائل است، به خودی خود نافی مردمسالاری است که بنا بر آن قدرت سیاسی انتخابی، قابل تعویض و میزان رای مردم است.

جایگاه ولی فقیه در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی که بر پایه "صغیر" دانستن شهروندان که ولی فقیه تشخیص دهنده صلاح شان و هدایت گر آنان است، رابطه رهبری نظام و شهروندان را به نوعی شبان/رمگی تقلیل داده است. شالوده این گونه از رابطه بین شهروندان و رهبری نه بر پایه انتخاب و امکان تعویض رهبری، بلکه بر پایه وادار کردن توده به خودسپاری به رهبر و اراده او استوار است که پایه نظام های کاریسماتیک اقتدار سیاسی است. نقش بلامنازع رهبری که می تواند

حتی از پذیرش رئیس جمهوری که پس از گذشتن از صافی شورای نگهبان و "انتخابش" توسط مردم، سرباز زند، جایگاه انتخابات را همچون شالوده های اقتدار سیاسی در ایران کم رنگ ساخته است و نشان از انتخابات گزینشی دارد که شباهتی با موازین و معیارهای بین المللی انتخابات آزاد و دمکراتیک ندارد. گرچه انتخابات مجلس شرایط تا حدودی متفاوتی از انتخابات ریاست جمهوری دارد، اما آن نیز با محدودیت های چشمگیری روبرو است و در آن نیز مکانیسم گزینشی عمل می کند.

فقدان آزادی احزاب و آزادی رسانه ها و عدم امکان حضور دگر اندیشان در رقابت های سیاسی و کاندید شدن و کاندید کردن، در کنار دیگر محدودیت هایی که برشمرديم به اندازه کافی گواه ضد دمکراتیک بودن شرایط انتخابات در ایران و گزینشی بودن آن است. با این همه ضد دمکراتیک بودن موازین و شرایط انتخابات در ایران به این همه محدود نمی شود. اگر از محدودیت های قانونی که قانون اساسی آن را تعیین کرده است بگذریم تازه شورای نگهبان وارد کار می شود که اختیار دارد بنا بر معیارها و مصلحتی که خود تشخیص می دهد و تنها ولی فقیه حق وتوی آنرا با حکم حکومتی دارد، صلاحیت کاندیداها را تعیین کند. این که شورای نگهبان می تواند با تشخیص کاندیدایی زاویه دار با رهبری و مورد توجه مردم آو را حذف کند، به اندازه کافی روشن گر تناقض آن با موازین جهانی حقوق بشر و توانایی نظام در انکار اراده مردم است.

### ۳ بسته تر شدن نظام

به رغم این همه نمی توان انکار کرد که در قانون اساسی ایران متاثر از انقلاب سال ۵۷ عناصری از جمهوریت و نظام انتخابی به چشم می خورد و همین امر، روزه هایی را برای چالش اقتدار دینی ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی فراهم آورده است. انتخابات ریاست جمهوری در ۲ خرداد ۷۴ و انتخابات دور ششم مجلس در بهمن ۷۸ و انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ که به پیروزی اصلاح طلبان منجر شد، نشان از وجود امکانی برای به عقب راندن رهبری نظام و بنیادگرایان اسلامی است که مردم از آن چند بار سود جسته اند. با این همه خود نظام به انتخابات، بیشتر به شکل نوعی از بیعت (اظهار وفاداری، همراهی و خودسپاری) با نمایندگان منتخب نظام و شورای نگهبان آن برای کسب مشروعیت سیاسی می نگرد و پس از تجربه چند شکست در برابر اصلاح طلبان دینی، این بار درصدد برآمده است که نقش انتخابات را به فرایندی بازهم گزینشی تر و خودسپاری بیشتر به

اراده رهبری تقلیل دهد.

همین که در این دوره یکی از بنیادگذاران و معماران اصلی نظام (رفسنجانی) و کاندیدای دولت کودتای انتخاباتی سال ۸۸ (مشایی) رد صلاحیت شدند، نشانگر آن است که چگونه شرایط انتخابات پیش رو بیش از پیش بسته تر شده است و نظام در پی آن است که نقش ریاست جمهوری را با تحمیل کاندیداهای ضعیف از آن چه که هست نیز کمرنگ تر کند.

واقعیت این است که ما بار دیگر شاهد عروج و تهاجم پدیده نوبنیادگرایی اسلامی هستیم که بقای خود را نه در گرو اراده و رای مردم، بلکه تحمیل خشن خود به آنان می یابد. به نظر من از هنگام کودتای انتخاباتی سال ۸۸ و سرکوب خشن جنبش سبز، نظام تصمیم خود را گرفته است که در برابر فشار بین المللی و اراده مردم ایران کوچکترین عقب نشینی نکند و به هر قیمت که شده با امنیتی تر کردن و نظامی تر کردن شرایط، با استفاده از زور به حاکمیت خود ثبات بخشد. تلاش برای ولایتی کردن مطلق نظام و کاهش هرچه بیشتر اهمیت و امکان تاثیر گذاری رای مردم تنها در زمینه سیاسی به چشم نمی خورد. تلاش در زمینه نقض هر چه بیشتر حقوق مدنی مردم و طالبانیزه کردن کشور در زمینه نظام آموزشی، فرهنگ و حقوق مدنی، نشان از این تمایل قهقرایی نوبنیادگرایان اسلامی است که حاضر به تحمل حتی انتخابات رقابتی ولو گزینشی پیشین نیستند. آنان مصمم اند که بمانند و نه تنها خود را بر اراده مردم ایران بلکه در عرصه بین المللی و بحران هسته ای نیز اراده خود را بر جهان تحمیل کنند. شرایط انتخابات پیش رو نشان از شدت یافتن نقض حقوق بشر و بسته تر شدن نظام دارد که ایران را در شرایط مخاطره آمیزتری قرار می دهد و خطر حمله نظامی به ایران را گسترش می دهد. تنها ایستادگی مردم ایران و فشار بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران می تواند اراده نوبنیادگرایان اسلامی را در نقض گسترده تر حقوق ایرانیان به عقب براند و شانس صلح، دموکراسی و امنیت را در ایران و منطقه گسترش دهد.